

## املاسازی و نوشت اصطلاحات\*

سیف‌الدین نظرزاده (رئیس کتابخانه ملی جمهوری تاجیکستان)

**چکیده:** سده بیست دوره‌ای نو در تاریخ اصطلاحات زبان تاجیکی است. در این دوره، اصطلاحات تازه با دگرگونی‌های فرهنگی و سیاسی و پیدا شدن صورت‌های اداری جدید و پیشرفت علوم و فنون همراه بود و با خواسته‌ها و نیازهای عصر حاضر سازگار شد. در این سده، با رشد شعور اجتماعی و انتشار اولین روزنامه و کتاب‌های درسی، زبان ادبی و اصطلاحات آن متحول شد و برای اصطلاحات زبان معیار و نزدیک کردن زبان معیار به زبان مردم سلسله‌تدبیرهایی اندیشیده شد که به تدریج چهره زبان را دگرگون کرد. در این مقاله، این سده به دوره‌هایی تقسیم شده و رویکردها و فعالیت‌های مختلف در هر دوره بیان شده است. در دوره اول (از اول قرن بیستم تا حدود ۱۹۲۰)، به روند تغییر اصطلاحات پرداخته شده و به نقش روزنامه‌ها و مجلات و تأثیر تغییر الفبا در دوره‌های مختلف و روندهای نو اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی که باعث نو شدن اصطلاحات گردید، اشاره شده است. در دوره دوم (از ۱۹۲۰ تا ۱۹۸۰)، فعالیت‌های بیشتری برای تحول اصطلاحات صورت گرفت و فعالیت اولین کمیته اصطلاحات و مراکز مختلف در این حوزه آغاز شد. برخی اشتباهات و دور شدن از اصول علمی اصطلاح‌گزینی در این دوره صورت گرفت. الفبا ابتدا به لاتین و سپس به سریلیک تبدیل شد و بر تکامل

\* سعی شده است نثر و اصطلاحات این مقاله، برای آشنا شدن با سبک نوشتاری متداول در تاجیکستان، تغییر نکند.

اصطلاحات زبان تاجیکی تأثیر گذاشت. اصطلاحات خلق‌های شوروی همه‌گون‌سازی شد و به روسی گرایش پیدا کرد. دوره نو (۱۹۸۰ تا امروز)، که در آن، به بازسازی دولت شوروی و صاحب استقلال شدن جمهوری تاجیکستان در سال ۱۹۹۱ اشاره می‌شود، که تأثیر بسیار بر روگرداندن از وام‌گیری عینی واژه‌ها و رو آوردن به برابرجویی داشت. موانع سیاسی و ایدئولوژیکی برداشته شد و نشریات به اصالت زبان رو آوردند. در این مقاله، از هر دوره نمونه‌های فراوان برای توضیح و توجیه مطالب ذکر شده است.

**کلیدواژه‌ها:** زبان تاجیکی، املاسازی، نوشت اصطلاحات، روسی‌کنانی، اصطلاح‌گزینی.

سده بیست دوره نو در تاریخ اصطلاحات زبان تاجیکی می‌باشد. اصطلاحات تازه با دگرگونی‌های فرهنگی، سیاسی، پیدا شدن شکل‌های نو اداری، و ترقیات علم و تکنیک تشکّل یافته، با خواسته‌ها و نیازهای زمان معاصر سازگار می‌شود. در ابتدای سده بیست، با انکشاف (= رشد) شعور اجتماعی و پیدا شدن اولین روزنامه و کتاب‌های درسی، در انکشاف زبان ادبی، از جمله اصطلاح‌های آن، رویه‌های تازه پدید آمد. ولی، با وجود این، به نظر می‌رسید از ابتدا یک نوع ادامه‌کاری (= ادامه رویه گذشته) در اصول واژه‌گزینی و رعایه عنعنه‌ها (= سنت‌ها)ی اصطلاح‌سازی دوره‌های گذشته وجود داشت.

در این دوره، برای اصطلاح زبان معیار و به مردم نزدیک کردن آن، یک سلسله تدبیرها اندیشیده شدند که بیشتر جنبه‌ای سیاسی داشته، در یک مدت کوتاه (از ابتدای سال‌های سی تا اول سال‌های چهل سده بیست) چهره زبان ما را دگرگون ساخت. یکی از این گونه تدبیرها تهیه املا (دستور خط) برای زبان ما با الفبای لاتینی (۱۹۲۹-۱۹۴۰) و سرلیک (۱۹۴۰ تا به حال) بود. این املابندی به طرز نوشت اصطلاحات نیز تأثیر بی‌واسطه داشت. اصطلاحات زبان تاجیکی، همچون یکی از بخش‌های مهم ترکیب لغوی زبان، پیش از همه، مورد اصلاحات قرار گرفت که دو جنبه داشت، اولاً عوض کردن اصطلاحات نوآمد روسی و اروپایی با اصطلاحات اقتباس عربی و حتی اصطلاحات ناب تاجیکی و ثانیاً به طرز تلفظ روسی مطابق گردانیدن تلفظ تاجیکی

آنها. ما این رویه را در نمونه استفاده اصطلاحات در مطبوعات کشور با دوره‌بندی خصوصیت‌های خاص آن بررسی خواهیم کرد.

دوره اول از لحاظ کرونولوژی (= تاریخی) از آخر دهه اول قرن بیست آغاز می‌یابد. در این دوره، ضیائیان (= روشنفکران) عملی کردن غایه‌های (= اهداف) معارف‌پروری (= اشاعه علم و فرهنگ و ادب برای از بین بردن جهل و نادانی) را آغاز کردند و مکتب‌های اصول جدید، روزنامه‌های *بنحارای شریف* (۱۹۱۲-۱۹۱۳) و *سمرقند* تأسیس یافتند؛ روزنامه‌های کشورهای دیگر مُتَنظَّم می‌آمدند؛ ادبیات معارف‌پروری خصوصیت ملی پیدا کردن گرفت؛ و اندیشه اجتماعی نو به زبان نقش نظرس (= چشمگیر) گذاشت، از جمله، روندهای نو اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی باعث نو شدن اصطلاحات گردید. این دوره تکامل و انکشاف اصطلاحات علمی و اجتماعی و سیاسی با تأسیس جمهوری خودمختار تاجیکستان در سال ۱۹۲۴ و پیشرفت علم و فرهنگ، پیدا شدن روزنامه و مجله‌های نو، تأسیس مکاتب و مؤسسه‌های علمی و فرهنگی، و قبل از همه، به راه ماندن (= عملی کردن) دفترداری اداره‌ها و مؤسسه‌های تاجیکستان به زبان تاجیکی، با خصوصیت‌های خاص خود، رونق و رواج بیشتری پیدا کرد. این مرحله تا آخر سال‌های بیست یعنی تا عوض شدن الفبای نیاکان به لاتینی ادامه یافت و خصوصیت‌های آن چنین‌اند:

الف) رفت (= جریان) تشکّل و تکامل اصطلاحات علمی و اداری و اجتماعی و سیاسی خراکتیر (= مشخصه طبیعی داشت؛

ب) با عنعنه‌های سال‌های پیشین پیوند ناگسستنی پیدا کرد. اصطلاحات شورای ناظران، ناظر، جمهوری، فرقه، اشتراکیون و امثال آن‌ها موافق اصول واژه‌گزینی عنعنوی (= سنتی) ساخته شده‌اند؛

پ) در این دوره، کلمه‌ها و واژه‌های ناب تاجیکی و اصطلاحات اقتباسی از زبان عربی به‌طور وسیع استعمال می‌شدند؛

ت) اصطلاحات از زبان‌های روسی و دیگر زبان‌های اروپایی با معیارهای آوای زبان تاجیکی موافق گردیده، قانونمندی طبیعی وارد شدن واژه‌های اقتباسی به زبان تاجیکی رعایه می‌شود. ما این خصوصیت‌ها را برعلا (= به‌روشنی) مشاهده می‌کنیم.

طوری که از تاریخ مطبوعات تاجیک می‌دانیم، سال ۱۹۱۳ در سمرقند مجله‌ای هفته‌واری (= هفتگی)، با نام *آئینه*، به کار آغاز کرد، که قسمی از مطالب آن به زبان تاجیکی و یا طوری که در *مُقَوَّات* (= جلدش) نوشته شده بود به «زبان فارسی» چاپ می‌شد. اما نخستین روزنامه‌ای که کاملاً به زبان تاجیکی نشر شد *بخارای شریف* بود که شماره اولین آن ۱۱ مارس سال ۱۹۱۲، با *همت میرزا محیی‌الدین منصوراف* و *میرزا سراج حکیم* چاپ گردید. در *روزنامه بخارای شریف*، که نخستین *روزنامه تاجیکی* در *ماوراءالنهر* است و، امروز، روز چاپ نخستین شماره آن همچون روز مطبوعات کشور جشن گرفته می‌شود، مبرم‌ترین مسئله‌های حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی امارت بخارا و جهان انعکاس یافته است. این روزنامه با ۱۵۳ شماره خود به بیداری ملی تاجیکان، همچنین بیداری حس وطن‌خواهی و آزادی‌خواهی و دادخواهی ملت ما، نقش بزرگ بازی کرد، ایفا کرد و، با همین سبب، با پیشنهاد نماینده سیاسی روسیه پادشاهی و فرمان امیر عالمخان، نشر آن ۲ ژانویه سال ۱۹۱۳ باز منع گردید. میرزا سراج حکیم، همچون (= به‌عنوان) یکی از مسئولان و گردانندگان این روزنامه، برای بیداری فکری ملت، در مقاله خویش با نام «سخن‌گفتنی»، در شماره ۱۹، چنین می‌نویسد:

...جریده هر ملتی زبان گویای همان ملت است، حالا تکلیف زبان گویا چیست؟ باید حرف بزند... باید تکلم کند. اکنون حرف زدن لازم است، چه نوع حرف بزند که شما راضی باشید و روزنامه هم مسئول نباشد. اگر قبايح (= بدی‌های) ملت را نگوید، ابداً وظیفه ملی اجرا نمی‌شود... پس چه باید کرد و چه کار کنیم هم ملت خرسند باشد، هم وظیفه ما ادا شده باشد؟ اگر پی تعریف و تمجید رفته و مداحی کنیم، عالم ما را طعن کرده، سائرین به حال ما خواهند خندید. ...اکنون تکلیف ما چه باشد؟ عالم متحیر و ما هم!

هدف از آوردن این اقتباس اگر از یک طرف آشکار کردن هدف‌های سیاسی و اجتماعی روزنامه باشد، از طرف دیگر، نشان دادن سیر تاریخی چند عبارت و کلمه‌ای است که در این متن استفاده شده‌اند. این کلمه و عبارت‌ها جریده به معنای «روزنامه»؛ تکلیف به معنای

«زحمت» و «محنت» و «وظیفه»؛ حرف زدن و تکلم کردن به معنای «سخن گفتن» و «گپ زدن»؛ ادا شدن به معنای «تمام شدن» و «اجرا شدن»؛ و تمجید به معنای «تعریف» و «تحسین» می‌باشد. امروز برخی از فرهنگیان و حتی زبان‌شناسان از ناهما (= نامفهوم) بودن زبان مطبوعات شکایت می‌کنند و سبب آن را در دشوار شدن زبان روزنامه‌ها می‌بینند. این کلمه و عبارتهای «سخن گفتنی» و نمونه بسیار دیگر که در مطبوعات ابتدای سده بیست تا سال‌های سوم فراوان استفاده می‌شدند، در دوام (= در طول) سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ سده گذشته به ما ناهما گشتند. در این سال‌ها در زبان ادبی ما ناجوری‌ای پدید آمد که حتی کلمه‌های اصیل و خودی را صاحب‌زبانان امروز نمی‌فهمند! پاسخ این سؤال را از نمونه‌های دیگری با استفاده از سندهای معیاری در این دوره جستیم.

مسئله پاکیزگی زبان و رعایت دستور و نام‌گذاری و دیگر مسئله‌های مورد بحث‌های زبانی در صفحه‌های این روزنامه جایی اساسی را اشغال می‌نماید. مسئولان در چند شماره آن قاعده‌های دستوری زبان را چاپ کرده، در هفت شماره تحت عنوان «مجملی در خصوص زبان»، اطراف چگونگی زبان دامان بحث می‌کشایند. از جمله، در شماره سوم در مقاله‌ای می‌نویسند:

هنوز شماره اول بخارای شریف را نشر نداده بودیم که بعضی آقایان حاضر شده در مطبعه نگاه به مقاله‌ها کرده و فرمودند: «اینجا زبان عمومی زبان تاجیکی است. روزنامه هم به زبان تاجیکی باشد بهتر است».

در صفحه‌های این نشریه چندین نامه بی‌تحریر (= بدون ویرایش) به قول خود روزنامه «عیناً بدون اصلاح و تغییر»، عائد (= مربوط) به نام‌گذاری زبان و خصوصیت‌های همگانی و محلی آن و ویژگی‌های زبانی، چاپ و در این باره عقیده و نظرهای گوناگون پیشنهاد شد؛ ولی نتیجه‌گیری خود محرران روزنامه خیلی مهم است که از جمله وحدت زبانی ما را دستگیری نموده، می‌نویسند:

... رشته قومیت با هم آمیخته شده یکی به اسم دری، دیگری به اسم فارسی، دیگری با نام تاجیکی جدا شده‌اند... ترقی هر قوم به این می‌شود که حرف زدن یا سخن گفتن خودشان را تابع نوشتن و کتابت نمایند، نه اینکه نوشته‌های خود را تابع حرف زدن عوام‌الناس نمایند.

ولی طوری که بعداً در نمونه سیاست زبانی سال‌های سی می‌بینیم، کارشناسان و متخصصان بنام زبان‌دان ما، محض (= فقط)، همین راه دوم یعنی راه تابع کردن نوشته‌های خود را به «حرف زدن عوام‌الناس» انتخاب نموده‌اند.

سبک و اسلوب روزنامه بخارای شریف در روزنامه‌های بعدی مطبوعات تاجیکی سال‌های بیست سده بیست تا آخر سال‌های بیست و عنیق‌ترش (= دقیق‌ترش) تا عوض گردیدن الفبای نیاکان اساس تاجیکی به الفبای لاتینی ادامه یافت و در این دوره اصطلاح‌های انقلابی‌ای به مانند ناظر به معنای «وزیر»، فرقه به معنای «حزب»، اشتراکیون به معنای «کمونیستی» و اکثریون به معنای «بلشویک‌ها» پیدا شدند که در اساس معیارهای دستوری زبان ما استفاده می‌شدند.

دوره دوم تکامل اصطلاحات از ابتدای سال‌های سی آغاز گردیده تخمیناً تا اواخر سال‌های هشتاد ادامه یافته است. فعالیت اولین کمیته اصطلاحات (۱۹۳۳)، کامیتیت (= کمیته) مرکزی الفبای نو و ترمینالوگیا (= واژه‌سازی) و کمیسیای (= کمیسیون) لغت و ترمینالوگیا در همین دوره باعث شد که در سیاست اصطلاح‌سازی نیز اشتباهات جدی راه یابد و از اصول‌های علمی اصطلاح‌گزینی صرف نظر شود. خصوصیت‌های این دوره چنین‌اند:

الف) از نظر دور افتیدن معیارهای علمی در اصطلاح‌آفرینی و به دام سیاست کشیدن علم و، به همین طریق، حذر کردن از واژه‌های ناب تاجیکی تحت نقاب تازه کردن زبان از عنصرهای کهنه فئودالی و به عامه نزدیک کردن زبان، از جمله در «اوستانوک» (= دستورالعمل) ترمینالوگیای زبان تاجیکی»، که در سال ۱۹۳۶ مرتب شده است؛ تأکید می‌شود: «به کار بردن کلمه حتی بیگانه‌ای که به عامه محنت‌کشان نامفهوم بوده، معنای سیاسی ترمین (= اصطلاح) را گم می‌کند و مفکوره (= تفکر) بورژوازی-کولاک (= بورژوازی-دهقانی) را إفاده می‌نماید، مبارزه قطعی برده می‌شود»؛

ب) تبدیل الفبا، اول به لاتینی و سپس به سریلیک، به تکامل اصطلاحات زبان تاجیکی بی‌تأثیر نماند؛

پ) همه‌گون‌سازی اصطلاحات خلق‌های شوروی و روسی‌کنانی آن. این پراسس (=فرایند) هم در تکامل اصطلاحات علمی و اجتماعی و سیاسی و هم املائی زبان تأثیر سخت رساند. در اندک‌مدت، ترکیب اصطلاحات زبان از سبب لزوم تشویق و ترغیب اصطلاحات ساخت شوروی و دستاوردهای آن سراسر تغییر یافته و، به جای اصطلاحات خاص تاجیکی، اصطلاحات روسی و غربی دارای مفهوم‌های انقلابی به استفاده درآمدند. اصطلاح‌هایی از قبیل پرولتاریات (=کارگران و دهقانان)، اوستانوکه، ساویشانیا (=جلسه)، ترمین، ترمینالوگیا، ساویت (=شوروی)، پرتیا (=حزب)، پالیتکه (=سیاست)، ساویز ساویتی (=اتحاد شوروی)، کریزس (=بحران)، روالوتسیا (=انقلاب)، اوچستکا (=منطقه) اسپچت (=محاسبه)، رزناردیکا (=فهرست توزیع)، ترویکا (=سه‌گانه) پس هم به زبان تاجیکی وارد شدند؛ ت) رعایه نگریدن املا و خصوصیت‌های آوایی زبان تاجیکی در استعمال واژه‌های روسی و غربی. حتی این خلاف‌کاری از طرف تطبیق‌گران روسی‌کنانی اصطلاحات رسمی-قانونی کرده شد. در «اوستانوکه» آمده است: «همه ترمین‌های انترناسیونالیستی و ساویتی از روسی و به واسطه روسی درآمد، به شکل روسی‌اش رعایه کرده قبول کرده شد».

برای نمونه به صفحه‌های مجله رهبر دانش سال ۱۹۲۹ نظر می‌اندازیم. در شماره اول این مجله مقاله‌ای با نام «الفبای نو» چاپ شده است که درباره نتیجه‌های نخستین کنفرانس‌های لاتینی تاجیکی خبر می‌دهد. باید گفت که تغییر الفبا هم در آن زمان یکی از سلاح‌های ساختمان نظام نو حساب می‌گردید. از جمله، در اول گفته می‌شود:

به ساختمان وسیع مدنی درآمدن و در این فرونت (=جبهه) مهم غلبه نمودن فقط زمانی ممکن است که عامه وسیع محنت‌کشان تاجیکستان بی‌واسطه به ساختمان جلب شده و در این راه اشتراک نمایند و در اینجا مسئله لاتینانیدن (=لاتینی کردن) الفبای کهنه عرب رول (=نقش) کلان را بازی می‌نماید.

در این متن، کاربرد چند واژه از دگرگون شدن وضع سبک و اسلوب و زبان نوشته‌ها خبر می‌دهد. اولاً، استفاده واژه‌های اقتباسی فرونت به جای جبهه و رول به جای نقش

نشان می‌دهد که به زبان مطبوعات کشور به تدریج کلمه‌های به نام «ساویتی - انترناسیونالی» بیشتر وارد می‌شوند، که از نقطه نظر نظریه‌سازان زمان شوروی، از راه‌های اساسی غنامندی (= توانگری) ترکیب لغوی زبان حساب می‌شد. کاربرد واژه محنت‌کش هم یکی از خصوصیت‌های واژه‌سازی این دوره می‌باشد. تا ابتدای سال‌های بیست سده بیست و نسبتاً بعدتر هم، در زبان تاجیکی، واژه رنجبر به طور وسیع استفاده می‌گردد، که ما این را در نمونه ترجمه اصطلاح روسی پرولتاری در مطبوعات این دوره می‌بینیم. من بعد، جای این واژه اصیل تاجیکی را در زبان مطبوعات ما واژه‌های ساخته (= نوساخته) محنت‌کش (معنای اصلی اش «اذیت‌کش» و «زجرکش»)، و واژه روسی - اروپایی پرولتاری اشغال می‌کند. در این متن، باز یک واژه عجیب دیگر وامی‌خورد که آن لاتینانیدن می‌باشد. چنین به نظر می‌رسد که این طرز کلمه‌سازی از همین دوره به قولی مود (= مُد) می‌شود، و بعداً این طرز «ساخته» (= نوواژه‌سازی) در شکل‌های الکترانیدن (= برقی نمودن)، کالکتیوانیدن (= یکپارچه و متحد کردن) و غیره از طرف برخی از محققان زبان‌شناس همچون خصوصیت و امکانیت‌های واژه‌سازی زبان ما قلمداد می‌گردد.

در همین متن، اصطلاح‌های نوآمد رایان و رایان به معنای «ناحیه»، کروژوک به معنای «مخفل»، کامسریات، کامسریت به معنای «وزارت»، آپارات به معنای «دستگاه» دوچار می‌شوند، که آنها به تدریج به ترکیب لغوی زبان ما داخل شده استاده‌اند (= داخل می‌شوند). هنوز از واژه‌های پرتیه، ساویت، کمونیسیم، کمونیسیت، پرتکوم (= کمیته حزبی)، ایکانومیکا (= اقتصاد)، پولیتکا (= سیاست) دُرک (= خبر) نیست. به جای آنها، واژه‌های فرقه - پرتیه (= تشکیلات فرقه‌ای)، شورا - ساویت (= شورای شهر و قشلاق)، اجتماعی - سوسیالیستی و غیره هنوز کاربرد دارند: «گفتن لازم است که این کتاب لغت در تاجیکی کردن آپارات دولتی جمهوری اجتماعی شورای مختار تاجیکستان هم رول قطعی را بازی می‌نماید».

ابتدای سال‌های سی سده بیست، بر طبق سیاست روز، زبان ما زیر تأثیر سیاست نوسازی زبان و گذرش به الفبای لاتینی، زیر فشار سیاست دولتی قرار گرفت. این نوسازی زبان ادبی، که تا ابتدای سال‌های چهل سده بیست ادامه یافت؛ اول، زیر تأثیر



تغییر الفبای خلق‌های ترک‌زبان به الفبای لاتینی، در تاجیکستان هم به تغییر الفبا و سپس از سال ۱۹۳۸، زیر تأثیر ساختمان سوسیالیسم در یک کشور جهان و افزایش یافتن سیاست مرکزگرایی، به عوض شدن الفبای لاتینی به الفبای سریلیک (مه تا سپتامبر ۱۹۴۰) منتهی شد. در این دوره کوتاه در تاجیکستان برای نوسازی زبان ادبی و موافق کردن آن با شرایط نو سیاسی- اجتماعی یک‌چند کمیسیا و کینگاش (= کنگاش، شورا) و انجمن‌های زبان‌شناسان و فرهنگیان گذرانیده شده دو سند معیاری- «اوستانوکه ترمینالوگیای زبان تاجیکی» (۱۹۳۶) و فرمان رقم یک کومیسار خلقی معارف (= مأمور عالی‌رتبه دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان «درباره بعضی مسائله‌های زبان تاجیکی» (۱۹۳۹) - به تصویب رسید. این دو سند معیاری برای سرنوشت زبان مادری ما تأثیر بنیادی داشته، و به تغییرات و دگرگونی‌های جدی در آواشناسی و واژه‌شناسی و عموماً ساختار دستوری زبان اساس گذاشت و بسیاری از فرقیتهای صناعی و ساخته‌ای که بین سه گونه زبان ما (آسیای مرکزی، افغانستان، ایران) دیده می‌شود، بیشتر، از همین دو سند سرچشمه می‌گیرد. سند معیاری اول با نام «اوستانوکه ترمینالوگیای زبان تاجیکی» سال (۱۹۳۶) در روزنامه تاجیکستان سرخ بار اول چاپ شده است. در این مقاله، به‌طور کامل عائد به خصوصیت‌های این سند معیاری معلومات دادن غیر امکان است، ولی به‌طور نمونه چند واژه‌ای را که از طرف تهیه‌گران این سند «با راه صناعی ساخته شده است»، همچون واژه‌هایی که خصوصیت‌های ملت‌چی‌گی (= ملت‌گرایان) محلی، مفکوره بورژوازی- کولاک‌ی را دارند و تهیه‌گران آنها به حبس ابد محکوم شده‌اند، می‌آریم و قضاوت و بهاگذاری را به خود خوانندگان حواله می‌کنیم. این واژه‌ها اشتراکیون به معنای «کمونیست»، مادیت به معنای «ماتیرالیسم»، خودجوش به معنای «سماور»، پیشاهنگ به معنای «پیانیر»، کیمیا به معنای «خیمیا»، جهان‌گیری به معنای «امپریالیسم»، سرنشین به معنای «پاساژیر»، سرباری به معنای «نگروزکا»، معرکه به معنای «کامپانیا» و چندین کلمه‌های دیگر می‌باشند که در مجله زبان‌شناسی، رقم ۲، سال ۲۰۱۰، که بعد سه شماره چاپ من بعد آن هم به تأخیر افتاده است، چاپ شده است.

برای نمونه، در متن کوتاه «قرار کمیته اجرائیه مرکزی شوراهای جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان» از ۱۵ مارس ۱۹۳۵ که روزنامه تاجیکستان سرخ چاپ کرده است، واژه‌های روسی-انترناسیونالیستی را به‌طور فراوان دیدن ممکن است. در این متن کوتاه واژه‌های روسی-انترناسیونالیستی ترمینالوگیا به معنای «اصطلاحات»، ساویت به معنای «شورا»، ساستاو به معنای «هیئت»، فونکسیه به معنای «وظیفه»، سمیتا به معنای «خرجنامه»، شخص یوریدکی به معنای «شخص حقوقی»، بلانک به معنای «سرب‌گ» استفاده شده است. نقطه جالب دیگر تغییر یافتن طرز تلفظ این اصطلاحات می‌باشد. هرچند در همین متن حالا تلگراف به جای تیلیگراف و کمیته به جای کمیت (در یک جا کامیتیت هم استفاده شده است) آمده است، بعد از تصویب «اوستانوک» دیگر از معیارهای طبیعی و درست علم آواشناسی (به معیارهای صوتی و تلفظ زبان موافق شدن کلمه‌های اقتباسی) در استفاده واژه‌ها و اصطلاحات اقتباسی روسی و اروپایی صرف نظر می‌شود و موافق طلبات (= مقتضیات) نو آنها به طرز تلفظ روسی عیناً آورده می‌شوند. یک مثال از همین شماره تاجیکستان سرخ از مقاله کوتاهی با نام علیم عابداف این‌گونه «تربیه» (= تربیت) یافته است:

در بین استودنتان اینستیتوت پیداکوگی (= دانشجویان دانشکده آموزگاری) شهر استالین‌آباد پراگولچگی (= غیبت کردن، غایب شدن) و بی‌انتظامی دوام می‌کند... طلبه اینستیتوت پیداکوگی و طلبه کورس (= سال) ۳ ربفک (= فاکولتت کارگری) علیم عابداف بسیار وقت‌ها وقت خود را در بازارها می‌گذرانند. او بسیار وقت‌ها از درس پراگول (= غیبت) می‌کند... اینچنین (= همچنین)، طلبه کورس یکم پیداکوگی‌کای اینستیتو ساویتی علیم عابداف هم در بین دو ماه آخر از درس‌ها ۱۲۰ ساعت پراگول کرده است.

در این نمونه کوتاه، طوری که مشاهده می‌کنید، واژه‌های استودینت به معنای «دانشجو»، اینستیتوت به معنای «دانشکده»، ربفک به معنای «فاکولتت کارگری»، و پراگول به معنای «غیرحاضری» (= غایب) در زبان مطبوعات ما مقام رسمی پیدا کرده است. در این مورد یک نکته اساسی را که در جریان بحث و مناظره‌ها عائد به نوسازی زبان ادبی به گردش

کلی آورده است خاطرنشان می‌نمایم. باید گفت که تا قبول «اوستانوک» بحث و مناظره‌ها عائد به چگونگی نوسازی زبان ادبی به فایده سیاست روز حل گردیده بود و گروه‌های «ملتچگی محلی» و «مفکوره بورژوازی- کولاکی» به شکست روبه‌رو شد و برای به‌طور عینی و بی‌تغییر وارد گردیدن واژه‌های اقتباسی راه وسیع گشاده شد. از طرف دیگر، در منطقه‌های جنوبی تاجیکستان، تا ابتدای سال‌های سی عصر بیست، جنگ شهروندی ادامه داشت و بخش بیشتر اهالی، مخصوصاً باسوادان و روحانیان، بر اثر این جنگ و تعقیب آنها از طرف گروه‌های به نام «ترویکا» که رویخط (= فهرست، سیاهه) مخصوص روحانیان و ملاپچه‌ها (شاگردان مدارس در آسیای مرکزی) را از طرف جدیدان (= گروه معتقد به اصلاح نظام آموزشی) پتترکیست (= پان‌ترکیست) دسترس کرده بودند از کشور مهاجر شده بودند و در این بحث و مناظره‌ها شرکت نداشتند و فکر و عقیده آنها دسترس نگریده است.

سند دومی که در سرنوشت زبان مادری ما، در آخر سال‌های سی و ابتداء سال‌های چهل نقش مهم داشت و من بعد، در مدت موجودیت حکومت شوروی تاجیکستان، برای رشد من بعد زبان و مخصوصاً بخش واژگانی آن تأثیر عمیق گذاشت، فرمان کمیساریات خلقی معارف جمهوری شوروی تاجیکستان از ۲ ژانویه ۱۹۳۹ «درباره بعضی مسئله‌های زبان تاجیکی» بود. آن از سه قسم، قسم «مسئله‌های گراماتیکا» (= دستور زبان)، قسم «درباره مسئله‌های اصطلاحات ترمینالوگیای زبان تاجیکی» و قسم «درباره مسئله‌های املاء زبان تاجیکی» عبارت بوده؛ در متن فرمان، وظیفه‌ها چنین معین شده است:

این چاره‌بینی‌ها به برهم دادن ارخائیزم‌ها (= کلمات نامفهوم قدیمی)، عربیزم‌ها و ایرانیزم‌ها در زبان تاجیکی، به برهم دادن جدایی صناعی بین زبان ادبی و زبان زنده گفتگویی، به زبان تاجیکی جاری کردن شکل زنده زبان و ساویتیزم‌ها (= شورویسم‌ها) روانه کرده شده‌اند.

در این سند معیاری، که اجرای آن برای همه حتمی بود، از زبان برآوردن (= حذف کردن) حرف «را» و به جای آن، استفاده کردن شکل گفتگویی «اَ» (این کتابه خواندن (مان

درکار (لازم، ضرور): از کاربرد شکل پیشایند «به» در فعل‌ها دست کشیدن (ما می‌توان بگوییم نه، بلکه ما می‌توان گوییم)؛ رسمی کردن شکل‌های ترکی جمله‌سازی (استعمال ساخت من نرفتن به (نرفتن من به)، تو خفه (= ناراحت) شدی؟، این احمد کتابشه، هم درست حساب کرده شود)؛ جمع‌بندی‌های نادرست ماها، مایان (ماها می‌خوانیم، مایان می‌خوانیم)، شماها، شمايان و بسیار دیگر از قاعده‌های ساخته و صنعتی و از لحاظ معیاری نادرست و خطا به سر زبان ما بار کرده شود.

از بس که (= از آنجاکه) این سند در شکل فرمان چاپ شده بود، دیگر در تمام مدت به بررسی و محاکمه (= بررسی) گذاشتن آن این سبک رعایه گردید و، بعد از قبول الفبای سرلیک در ماه‌های می تا سپتامبر سال ۱۹۴۰، این سند اساس معیاری هم دستور و هم املاء زبان ما گردید. بعضی از خصوصیت‌های آن به‌مانند طرز جمله‌بندی «احمد کتابش» و استفاده «ـ» به جای حرف «را» بعداً از طرف استاد صدرالدین عینی مورد نکوهش سخت قرار گرفت. اینک یک نمونه از مقاله م. ای. بابایوف «دائر به مسئله‌های زبان ادبی تاجیک»، که در شماره ۱۲ می سال ۱۹۳۹، در روزنامه تاجیکستان سرخ چاپ شده است، ذکر می‌شود:

بندک (= شناسه) «را» یک چیز صنعتی می‌باشد. از همین سبب، این بندک البته پرتافته شده (= حذف شده)، به جای وی بندک زنده «ـ» پاک‌گرفته شدنش لازم... آرفاگرفیه (= املا) ما باید که تغییرات در زبان زنده صادرشده‌گه (= روی‌داده، واقع شده) و تندنسبای (= گرایش) طرقیات زمانه عکس‌کنانده ایستد (= منعکس کند)...

این جریان در زبان مطبوعات کشور تا نیمه اول سال‌های پنجاه عصر بیست ادامه پیدا کرد و، با آغاز شدن جنگ بزرگ وطنی، به زبان مطبوعات هزاران واژه و اصطلاحات حربی (= نظامی) روسی نیز وارد گردید. بعد به چاپ رسیدن اثر ا. و. استالین، «مارکسیسم و مسئله‌های زبان‌شناسی»، و مخصوصاً مقاله استاد عینی «عائد به وضع زبان‌شناسی تاجیک» (مجله شرق سرخ، شماره ۶، ۱۹۵۲، ص ۳-۸)، که در آن از طرف او بعضی مسئله‌های املائی زبان زیر انتقاد شدید قرار گرفت، در زبان مطبوعات تاجیک نیز

به تدریج بعضی دگرگونی‌ها به وجود آمد. ولی همانا مطبوعات تاجیک زیر فشار سخت سانسور دولتی و ایدئولوژی قرار داشت. یک نمونه از روزنامه معارف و مدنیت از ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۵۱:

«سیسای (= اجلاسیه) معروضه (= سخنرانی) دکتر علم‌های فیلولوگی (= زبان‌شناسی، فقه‌اللغه)، نائب رئیس آکادمیای فن‌های جمهوری شوروی تاجیکستان، ب. نیازمحمداف، را درباره جمع‌بست (= نتیجه‌گیری) سیسای شعبه علم‌های جمعیت‌شناسی آکادمیای فن‌های جمهوری شوروی تاجیکستان بخشیده (= اختصاص داده) به یک‌سالگی نشر شدن آثار گنیالی (= داهیانه) ا. و. استالین، مارکسیسم و مسئله‌های زبان تاجیکی، محاکمه کرد (= بررسی کرد)».

مثال دیگر از روزنامه تاجیکستان ساویتی، که در ۲۴ اوت سال ۱۹۵۹ چاپ شده است: آنها در صحرا فداکارانه محنت کرده نورمه (= نُرْم) هرروزه را ۲۰۰ تا ۲۵۰ پراسنت (= درصد) به‌جا می‌آرند. ولی در کالخوز (= مؤسسه کشاورزی) بریگده‌هایی (= گروه کارگران) نیز هستند که کار سوم بین قطارها را تا این مدت کشال داده می‌آیند (= به درازا می‌کشاند).

تحولات واژگی زبان با تأثیر رابطه‌های متقابل زبان‌ها و به ترکیب لغوی یک زبان وارد شدن کلمه‌ها و واژگان بیگانه رویداد معمولی است که در همه زمان‌ها وجود داشت؛ ولی وقتی که این پراسس (= روند) با راه زورآوری (= خشونت) و تحت فشار مقامات بالایی صورت می‌گیرد، عاقبت‌های ناگواری دارد. نتیجه همین شد که دائره استفاده اصطلاحات تاجیکی محدود گردید و جریان تکامل اصطلاحات همه ساحه‌ها (= حوزه‌ها) به‌طور صنعی تغییر یافت و حتی در زیر تأثیر این جریان، بعضی قاعده‌های صرف و نحو زبان تاجیکی آسیب دید. ترکیب اصطلاحات علم‌های دقیق، اساساً اصطلاح‌های روسی و اروپایی، پُرّه (= کامل) گردید و وام‌گیری عینی قابلیت اصطلاح‌سازی و عباره‌بندی زبان تاجیکی را محدود کرد.

از اواخر سال‌های پنجاه، در اصطلاح‌سازی بعضی تغییرات رخ داد که با تأثیر کمیته اصطلاحات در نزد آکادمیای علم‌های جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان (۱۹۶۰) فعال‌تر و باثمرتر گردید. این کمیته، که آن را آکادمیک م. عاصمی راهبری می‌کرد،

کوشش کرد که روند اصطلاح‌سازی را با اصول‌های علمی پیوند سازد و پرنسیپ‌های (= اصول) علمی اصطلاح‌آفرینی را در زبان تاجیکی معین نماید. پرنسیپ‌های اساسی ترمینالوگیکای زبان تاجیکی (۱۹۷۲) از طرف این کمیته تهیه و چاپ گردید. کمیته اصطلاحات در هیئت خود ۱۶ شعبهٔ ساخوی (= تخصصی) داشت و نتیجهٔ فعالیت این کمیته به طبع رسیدن یک‌چند لغت و فرهنگ‌های ساخوی اصطلاحات است. از کارهایی که در این دوره چاپ شده‌اند و به روند اصطلاح‌سازی تأثیر رسانده‌اند می‌توان از لغت روسی-تاجیکی ترمینالوگیکای فلاسوفیا (۱۹۶۶) نام برد. پرنسیپ‌های اساسی ترمینالوگیکای زبان تاجیکی تا اندازه‌ای فعالیت این کمیته را در ساحة اصطلاح‌سازی معین نمود. اگر از بعضی نقصان‌های این کتابچه صرف‌نظر نماییم، تهیه‌گران آن کوشش کردند که پیش‌راه رویهٔ نادرست اصطلاح‌سازی را، که در مدت سی تا چهل سال ادامه داشت، بگیرند.

بعد از مرگ استالین و بر سر قدرت آمدن راهبریت نو شوروی، سیاست نسبتاً نرم سال‌های پنجاه به زبان مطبوعات تاجیک تأثیر رساند و برخی از واژگان از مطبوعات ایران نیز وارد زبان گردید، که نمونهٔ برجستهٔ آنها واژه‌های دانشجو و دانشگاه بود. واژهٔ انجمن در ابتدای سال‌های سی میلادی سدهٔ بیست در زبان ما استفاده می‌گردید؛ برای نمونه، انجمن زبان‌شناسان در سال ۱۹۳۰ تأسیس شد. ولی اصطلاح‌های دانشگاه و دانشجو نوواژه‌هایی بودند که از طرف فرهنگستان اول ایران رسمی شده بودند.

ولی این جریان دیر دوام نکرد. در سال ۱۹۶۴ برای بررسی مسئله‌های رشد و گسترش زبان و مخصوص (= مخصوصاً) برای به تنظیم درآوردن اصطلاحات زبان، کنفرانس زبان‌شناسی تشکیل گردید و، در آن، زبان مطبوعات زیر تازیانة تنقید گرفته شد. قسمت بیشتر معروضهٔ اساسی به حسابات (= گزارش) فعالیت علمی و تدقیقاتی بخشیده شده و فقط در بخش «مسئلهٔ ترمینالوگیا و املا»، ما روش و عقیدهٔ سیاسی سخنگویی را احساس می‌کنیم. نیاز محمداًف در این بخش می‌گوید:

در ترمین و کلمه‌های سال‌های اخیر یک کمبودی جدی مشاهده می‌شود. حالا ترمین‌های دانشکده، دانشگاه، دانشجوی و غیره‌ها در مطبوعات، نشریات و رادیو و تلویزیون جمهوری‌مان

فراوان به کار برده می‌شوند. از این ترمین‌ها دانشگاه به جای مکتب‌های عالی، دانشجو به جای استودنت به کار برده می‌شود.

ترمین‌های موجوده ساویتی و انترناسیونالی به همه مفهوم بوده، خودسرانه به ترمین‌های نامفهوم و بیگانه عوض کردن آنها غلط است و هیچ‌کس حق ندارد که آنها را با اختیار خود عوض نماید و یا تغییر دهد.

طوری‌که از این اقتباس برمی‌آید، نیاز محمداً اصطلاح‌های دانشکده، دانشگاه و دانشجو را اصطلاح‌های «نامفهوم و بیگانه» حسابیده، اصطلاح‌های شوروی و انترناسیونالی استودنت، انیورسیت و اینستیتوت، به قول او، اصطلاح‌هایی «به همه مفهوم» می‌باشند. او استفاده اصطلاح‌های ناب تاجیکی را در مطبوعات کشور «یک کمبودی جدی» حساب می‌کند.

از آخر سال‌های هشتاد دوره نو آغاز می‌یابد، که آن به بازسازی دولت شوروی و صاحب استقلال گشتن جمهوری تاجیکستان (۱۹۹۱) سخت علاقه‌مند (= مربوط) است. زیر تأثیر بازسازی و آشکاربانی، رو گرداندن از وام‌گیری عینی و رو آوردن به برابرجویی، به طور نامتشکل، اول از طرف روزنامه‌نگاران شروع گردید. در مطبوعات و رادیو و تلویزیون، با سرعت، جای اصطلاح‌های روسی و اینترناسیونالی را واژه‌های ناب تاجیکی گرفتند. اصطلاح‌های حزب به جای پرتیه، شوروی به جای ساویتی، دادگاه به جای سود، حاکمیت به جای اربیتراژ، دادستان به جای پراکورور، اختصارهای ح. ک. ی. ش. برای «حزب کمونیستی اتحاد شوروی» به جای ک. پ. س. س. ی. ج. ش. س. برای «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» به جای س. س. س. ر.، دانشگاه به جای انیورسیت، جمهوری به جای ریسپوبلیکا، شورای عالی به جای «ساویت عالی» نمونه این تحولات بود. تمام مانع‌های صُنعی (= غیرطبیعی) سیاسی و ایدئالوژی (= عقیدتی) بعد از اعلام استقلال دولتی تاجیکستان در سال ۱۹۹۱ برداشته شد و زبان مطبوعات هم زود از نسیم فارم (= خوش، مطبوع) استقلال استفاده نمود و رو به اصالت زبان آورد. اینک چند نمونه از مطبوعات ابتدای سال‌های نود سده گذشته از روزنامه صدای مردم، از تاریخ ۵ فوریه سال ۱۹۹۱: «اهل پلینوم برنامه معتدل گردانیدن وضع مملکت را دستگیری می‌کند، که انجمن ۹

دپوتات‌های خلقی ی. ج. ش. س. ترتیب داد». در این نمونه کوتاه استفاده واژه‌های پلینوم به معنای «اجلاسیه»، دپوتات به معنای «نماینده» یا «وکیل» نشان می‌دهد که هنوز مطبوعات زیر نفوذ سیاست دور قرار دارد. ولی کاربرد واژه انجمن به معنای «سییزد» دیگر باره برقرار شدن استفاده کلمه ناب تاجیکی را بر اثر فراهم آمدن فضای مساعد برای گسترش زبان و برگشت به اصالت ملی نشان می‌دهد.  
روزنامه جمهوریّت از ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۹۲:

واقعه‌های روزهای اخیر نشان دادند که جمهوریّت تازه استقلال ما واقعاً هم در پرتگاهی خوفناک پراکندشوی قومی قرار دارد.

رئیس دیوان وزیران، اکبر میرزایف، با هیئت دولتی از قرغان‌تپه به دوشنبه برگشت.

در این دو مثال، استفاده اصطلاح‌های جمهوریّت به معنای «ریسپوبلیکا» در آن سال‌ها در مطبوعات و دوره‌های رسمی بحث و مناظره‌های زیاد صورت گرفته بود و، در آخر، شکل درست آن یعنی واژه جمهوری قبول گردید.

بعد از قبول قانون زبان ۲۲ ژوئیه سال ۱۹۸۹ و مخصوصاً در سال‌های استقلالیت، با سیاست پی‌گیرانه حکومت جمهوری تاجیکستان در بابت تطبیق کانون زبان و انکشاف زبان تاجیکی، زبان ما همچون زبان دولتی، هم از لحاظ مقام حقوقی و هم از لحاظ تغییرات واژگانی و لکسیکی (= لغوی)، خیلی گسترش یافت. مخصوصاً سال‌های اخیر، بر اثر تحقق سیاست زبان دولت تاجیکستان، زبان تاجیکی در تمام قشرهای جامعه و اکثر ساختارهای دولتی و غیردولتی تاجیکستان مورد استفاده قرار گرفت. امروز، به‌طور عموم، زبان تاجیکی مقام دولتی پیدا کرده است. البته کمبودی و نارسای‌ها نیز خیلی زیادند. بیشتر آنها خصوصیت عملی دارند. این خصوصیت‌ها، بیشتر، به طرز درست نام کارخانه و مؤسسه‌ها و غیره ارتباط دارد که برای رفع آنها، پیش از همه، سطح زبان‌دانی مردم را بلند برداشتن لازم است. امروز زبان مطبوعات همان خصوصیت‌های امروزه زبان تاجیکی را انعکاس می‌نماید و سبک نوشت آنها نیز گوناگون است. آن دعوایی



که گویا زبان تاجیکی با استفاده کلمه‌های دشوارفهم در حال خرابی قرار دارد، پایه منطقی ندارد. در واقع، زبان ما در تاجیکستان در طول بیست سال آخر بسیار تغییر کرده است. در حقیقت، اگر یک کسی از نسل سال‌های شصت تا هفتاد روزنامه و کتاب‌های ما را بخواند، شاید در درک آن جایی به مشکلی روبه‌رو شود، اما در این مورد کلمه‌های بیگانه و زیادی به ندرت و بسیار کم به زبان داخل شدند. اکثر این کلمه‌ها در سابق هم استفاده می‌شدند و مال این زبان هستند؛ و امروز که محدوده‌ها برداشته شده است، دوباره کلمه و واژه‌هایی که در زمان شوروی استفاده آنها ممنوع بود، مثل پیشاهنگ، سرنشین، سربازی، شاهراه، انجمن و غیره دوباره استفاده می‌شوند. بنابراین، امروز برای جامعه ما مسئله‌های آموزش زبان تاجیکی، خط نیاگان، تاریخ زبان ما و تحقیق حجت‌های گوناگون اسلوبی و سبک‌های گوناگون نوشت اهمیت پیدا می‌کند. سال ۲۰۰۹، در تاجیکستان قانون جمهوری تاجیکستان «درباره زبان دولتی» قبول شده و زبان تاجیکی با مرحله نو رشد و گسترش خود داخل گردید، که به اصطلاحات نیز بی‌تأثیر نخواهد ماند و آن هم همچون یکی از بخش‌های ترکیبی زبان مادری ما به اصالت و پاکیزگی خود برمی‌گردد و یکی از شاه‌ستون‌های گسترش بی‌سابقه زبان مادری ما در عصر بیست‌ویک خواهد شود. برای این تمام شرایط فراهم است. طوری که امام‌علی رحمان، پریزیدنت مملکت، در ملاقات با ضیائیان کشور، در بیست مارس سال ۲۰۰۹ تأکید کرد:

اطمینان کامل دارم که قبول قانون نو «درباره زبان دولتی جمهوری تاجیکستان» و تدبیرهای دیگر در ارتباط به زبان ملی یک سلسله مانع‌های موجوده صناعی را در این سمت برکنار ساخته، مرحله واقعا نو را در تحکیم و رشد زبان دولتی آغاز خواهند کرد.

#### ادبیات (= منابع)

نظرزاده، س.، *املاء و زبان ادبی*، دوشنبه، ۲۰۱۵.

حاجی‌یف، س.، *زبان ادبی تاجیک در ابتدای عصر بیست*، دوشنبه، ۱۹۸۷.

- محبی‌الدین‌اف، ع. «فکرهای ما درباره زبان ادبی تاجیکی»، *تاجیکستان سرخ*، ۹ ژانویه ۱۹۲۹.
- «اوستانوکه ترمینالوگیای زبان تاجیکی»، *تاجیکستان سرخ*، ۸ اوت ۱۹۳۶.
- «درباره بعضی مسئله‌های زبان تاجیکی، فرمان رقم ۱ کومیساریات خلقی معارف ر. س. س. تاجیکستان از ۲ ژانویه سال ۱۹۳۹»، *تاجیکستان سرخ*، رقم ۱۹، ۲۵ ژانویه ۱۹۳۹.
- عینی، ص. «اعاید به وضع زبان‌شناسی تاجیک»، *شرق سرخ*، رقم ۶، ۱۹۵۲، ص ۳-۸.
- پرینسپ‌های اساسی ترمینالوگیای زبان تاجیکی، ترتیب‌دهنده: ی. ای. کلانتراف، دوشنبه، ۱۹۷۲.
- بخاری‌زاده، ا. ل.، لیوشیتس، و. ا. «تحریر نوع قاعده‌های آرفاگرفیه، مکتب ساویتی، رقم ۵، ۱۹۵۴، ص ۲۶-۳۶».
- کریم‌اف، ا. «عائد به لائحه آرفاگرفیه زبان تاجیکی»، *مکتب ساویتی*، رقم ۱۵، ۱۹۵۲، ص ۳۵-۳۷.
- قاعده‌های املائی زبان تاجیکی*، دوشنبه، ۲۰۱۲.
- «قاعده‌های اساسی آرفاگرفیه زبان تاجیکی»، *گازتای معلمان*، ۲۰ فوریه سال ۱۹۴۱، رقم ۷ (۶۹۸).
- «قاعده‌های اساسی آرفاگرفیه زبان تاجیکی»، *مکتب ساویتی*، رقم ۱، ۱۹۵۴، ص ۳۷-۴۶.
- «مواد انجمن نخستین علمی - زبان‌شناسی تاجیک عائد به زبان تاجیکی و مسئله‌های حل‌طلب آن»، *زبان‌شناسی*، ۲۰۱۰، رقم ۱.
- نظرزاده، س. «صداناک‌های زبان تاجیک و تشکل آنها»، *زبان‌شناسی*، ۲۰۱۱، رقم ۱، ص ۱۴-۳۲.
- نخستین انجمن علم زبان‌شناسی تاجیک (مواد، تحلیل، اندوزش)*، برگردان، تهیه و مؤلف مقدمه: دکتر وهاب‌اف، خجند، ۲۰۱۰.
- «آرفاگرفیه زبان تاجیکی»، *مکتب ساویتی*، رقم ۱۰، ۱۹۵۲.
- «پرویکت الفبای نو تاجیکی»، *تاجیکستان سرخ*، ۲۵ ژانویه ۱۹۴۰، رقم ۱۹ (۳۴۱۸).
- «اوکاز پرزیدوم ساویت عالی ر. س. س. تاجیکستان درباره درآوردن علاوه‌ها به الفبای تاجیکی» از ۵ فوریه سال ۱۹۵۴، *تاجیکستان سرخ*، ۴ مارس سال ۱۹۵۴.
- اوستانوکه ترمینالوگیای زبان تاجیکی*، استالین‌آباد، ۱۹۳۶.